

در زندان زنان عادل آباد شیراز چه میگذرد؟

لیلا حسین زاده

که اخیرا به قید وثیقه از زندان عادل آباد شیراز آزاد شده، از وضعیت اسفبار این زندان چنین نوشته :

□ ما از زندان میرویم اما زندان از ما نمیرود، چشمان تکتک هماتاقیهایم وقتی روی زمین میکشیدندم و حتی فرصت آغوش و بوسهای فرصت یک خداحافظی نداشتیم، روی شانه ام مانده. باید بنویسم تا چشمانشان را از دوشم زمین بگذارم، تا قلبم که حالا یک گوشه اش عادلآباد است، آرامتر بتپد. باید بنویسم.

□ اکثر اتاقها پنجره ندارند. تهویه ندارند. دو راهروی عمود بر هم که یک راهرو چند پله پایینتر از دیگر است، همان راهرو که سه اتاق دارد، که زندانیهایی که چندسال آنجا ماندهاند به مشکلات تنفسی و ریه گرفتار شدهاند. راهروی بالایی ۵ اتاق دارد، ۲ اتاق قتل و مواد چسبیده به محل اعدامند. یعنی حبسشان با شنیدن مداوم صدای اعدام گره خورده. همه ماجرا این نیست. قتلهای زنان عادلآباد اکثرا شوهرکشی کردهاند. قصه تکراری بسیاری این است: در کودکی باجبار شوهر داده شدهاند، اکثرا ازدواج فامیلی. زمان گذشته و فهمیدند زندگیشان را نمیخواهند، نه راهی برای فرار، نه راهی برای طلاق.

□ بسیاری با مردی دیگر رابطه گرفتهاند و در یک لحظه تباری، شوهر را کشتهاند. حالا خودشان و معشوقشان همدستان قتل، زندانیان قتل یک روز صدای اعدام را که شنیدیم، صبح در راهرو پچپچه بود، که همجرم فلان زن که در اتاق قتل زندانیست، بالای دار رفته. یک لحظه باخودم فکر کردم یعنی این صدای ضجهای معشوقش بود که شنید؟ صدای دار معشوقش بود که صریح میشنید؟ بله.

۴ اتاق راهروی بالایی روزمره درگیر شنیدن فریادهایی هم هستند که از «زیرزمین» زیر پایمان میآید. نمیدانم این زیرزمین محل نگهداری اعدامیان بود یا چنانچه در بند شایعه بود «سیاسیها را آنجا کتک میزنند».

□ تنفس زندانیان راهروی پایینی و گوش زندانیان راهروی بالایی تحت شکنجه مداوم است.

□ ظرف را باید در آبخوری می‌شستیم که در محیط توالت و حمام است، هیچ سینک ظرفشویی در کار نیست (بجز اتاق نوجوان) همانجا که دست و پا و دماغمان را می‌شستیم و مادران کودکانشان را می‌شستند، ظرف می‌شستیم خود زندانیان سعی کرده بودند تفکیکی بگذارند، که مثلاً دو شیر آب برای ظرف و دو شیر آب دیگر برای شستشوی دیگر، تفکیکی که در تراکم جمعیتی بالا اغلب شکست می‌خورد. وقتی دمای آب «استخری» میشد، وقت حمام بود. سردمان بود و میگفتند به دلیل استفاده زیاد از مخزن آب فرصت نمیکند داغ شود!

□ ساعات محدودی در بعضی روزها آب استخری میشد و اگر خیلی خوششانس بودیم لحظاتی آب گرم را هم تجربه میکردیم، بهجز دوش حمام دیگر مجرای آب گرم وجود نداشت و کودکان با همان آب سرد شستشو میشدند. اتاقی بین ۵۰ تا ۶۰ متر مساحت، ۴۷ نفر آدمیزاد را در خود جا میداد، میگفتند بیشتر هم میشود

□ همه چیز ممنوع، همهچیز ممنوع، چند مثال: کوتاه کردن مو، سیگار، ادامس، تخمه، ترکیبات کافئیندار، کشیدن شکل با خودکار روی دست (تجاهر به خالکوبی)، بازکردن لای قرآن بی آنکه یک سوره را کامل بخوانی (تجاهر به سر کتاب بازکردن)، کتاب حافظ (امکان تفال)؛ بچه‌های معترض بین خودشان آموزش انگلیسی گذاشته بودند و زارع محصول فرهنگی گفته بود ممنوع است! هیچ امکانی برای گذران وقت نبود، حتی دو تا توپ و بدمینتون را زارع در کمد اتاق فرهنگی قایم کرده بود و یک بار بچه‌ها با کلی التماس بخشی از وسایل را ازش گرفتند.

□ هر روز صبح یک اتاق باید اجباراً به مراسم «صبح روشن» میرفت:

□ بهایی و سنی را می‌نشانند پای دعا برای ظهور امام زمان و بهترین بخشش این بود. چادر اجباری بود، بارها در طول هفته میگفتند فردا بازدیدکننده داریم، بجای ۷ صبح، ۶ صبح بیدار باش میدادند، زندانیها باید سریع آماده میشدند: جوراب، آستین بلند، حجاب زیر چادر، چادر. و آماری مینشستند

□ تا می‌آمدند تکان بخورند، داد میزدند یا الله یا الله. و این حبس در حبس، این آماری نشستن در اتاق اغلب تا ظهر ادامه داشت و بازدیدکننده‌های هم در کار نبود. بیگاری بکن، تایم تلفن بگیر. بزرگترین بخش بند

کارگاهش بود، عمدتاً قالبیافی و خیاطی و زندانیها تولیدات عمده میکردند بجایش تایم تماس میگرفتند، گاهی هم لطف میکردند یققرانی بجای دستمزد، مثلاً برای یک تابلوفرش دستیاف، ۱۰۰ هزار تومان به زندانی میدادند.

□ قبل از حضور معترضین در بند، برخورد برخی زندانبانها با زندانیان مطلقاً نابودکننده کرامت انسانی بود، برای مثال:

□ در صف فروشگاه ایستاده بودم که این صدای رسا و راحت را از جانب یک زندانبان خطاب به یک زندانی که در انفرادی بود شنیدم: «میری جلوی در اتاق جلو همه زندانیها میفتی به پای همکارم، پاش رو میبوسی، واق واق میکنی میگی گه خوردم، تا از انفرادی درت بیارم»، چرا؟ نه چون حتی زندانی به مامور توهینی کرده بود، صرفاً جوابش را داده بود. رییس بند، امیدوار، بند را مثل بسیاری دیگر از بندهای عمومی بر اساس دو عنصر اداره میکرد: مخابر، قلدر. چنان زندانیها را تحت فشار میگذاشت و آزادی آنها را معطوف به رفتار در زندان میکرد که صدا از کسی در نمیآمد. بند اینگونه اداره میشد، اما اینها برای آرامش بند کافی نبود

□ در بند زنان عادلآباد جنایتی هولناک علیه زندانیان عادی از طریق قرصهای اعصاب و آرامبخش در جریان است. در اتاق خودمان زیاد میدیدم که فرد شاید بهاندازه ۴ ساعت در روز بیدار بود. حتی یک بار دادن قرصهای گویا اشتباه کار بجههای اتاق معترضین را به تشنج کشاند.

□ زندانیها نام قرصها را نمیدانستند. با چشمان خودم دیدم که بخاطر عادیتترین دعوای فیزیکی که حتی در بند سیاسی هم شاهدش بودهایم، چنان قرص در دهان یکی از زندانیان ریختند که بعد از چند روز توان تکلم درستی نداشت. یکی از زندانیان، راسخ و برغم فشار رییس بند ایستاد و قرص اعصاب را ترک کرد و لرزش دستانش قطع شد.

□ اجناس فروشگاه نه بر اساس نیاز زندانیان که بر اساس بیشترین سود تعیین میشدند. زندانیان مدتها حسرت سبزیجات تازه داشتند. مگر کسی از مرخصی برمینگشت و باندازه ذرهای با خودش میآورد. در ۴ ماه و نیم که آنجا بودم فقط ۱ بار فروشگاه سبزمینی آورد.

۲ □ شب قبل انتقال زندانیان، در غذای بند، تخم‌مارمولک پیدا کردند. غذاها چنان بیکیفیت بود که وقتی یکبار به دوستم در گوهردشت گفتم ناهار برنج سفید و کمی کشمش سوخته داریم تعجب کرد که مگر وعده غذایی حساب میشود؟

□ درخصوص اقلام تره بار و فروشگاه، بند زنان بشدت حتی وضعش از بند مردان همان زندان هم خرابتر بود.

□ روزمره ی بند با شدتی از اختناق همراه بود و خشونت ماموران به زندانیان بحدی به نحوی «عادی» زیاد بود، که تذکر من به یکی از زندانبانها، رضایی، که بهم توهین نکند منجر به برخورد فیزیکی او با من شد (گفتم فرصت بده متن ابلاغیه را بخوانم بعد امضا کنم و اعتراض بنویسم، گفت مگه ما علافیم. رفتم به سرشیفت تذکر دادم، آمد جلو و گفت تو از لنگه دمپایی من کم ارزشتری، گفتم توهین نکن، فیزیکی بهم حمله کرد) حساب کنید که اینها نحوه برخورد با زندانی سیاسی آن بند بود که تازه امکان رسانه ای کردن مسایل را داشت، ببینید شرایط توهین و برخورد با زندانیان عادی بصورت روزمره چه بود

□ رسیدگی پزشکی بند بمعنای دقیق کلمه فاجعه بود. زندانی دیابتی با زخم پایی که هر دم گسترده تر میشد و پاسخ به او این بود: طبیعی است. بی هیچ تمهیداتی افراد را با اچ آی وی مثبت یا هیپاتیت رها میکردند، بارها تقاضای تست هیپاتیت دادم و وقتی ننهادند. همه چیز طبیعی بود، ما حتی بابت قرص مسکن بابت مسکن! با خساست بهداری مواجه بودیم و گهگاه زندانیان بی دسترسی به مسکن درد میکشیدند.

□ زندانبانها در مواجهه با حال بد زندانیان، بارها آرزوی مرگ برایشان میکردند.

□ حتی درخصوص الهام افکاری وقتی در اعتصاب غذا بود و خون بالا آورده بود و حالش بد بود و نگران جاننش بودیم، یک بار که بچه‌های اتاق معترضین زندانبانها را صدا زدند تا به دادش برسند، زندانبان پس از یک ربع، آرام قدم برمیداشت و داد میزد: بمیره، به درک. و اعتراض شدید من برایش شوکه کننده بود، اینچنین برایشان تحقیر عادی بود.

□ لک سیاه بزرگ روی گونه، داغ آب تصفیه نشده عادل آباد است بر صورت زندانیان تکلیف روزنامه، مجله و کتاب هم که در چنین بندی مشخص است. چند تا کتاب که اکثرا توهین به مفهوم کتاب بودند در قفسه گذاشته بودند نه روزنامه نه مجله هیچ. حتی اکثر کتابهای داستان و رمان را همچون خطر میدیدند.

لیلا حسین زاده

دیماه ۱۴۰۱

زندان_ زنان

.....
بیش از ۸۳۵۰ روز در سلولهای اوین؛ ۵۸ زندانی زن؛ ۳۳ مادر

گزارش صفحه اینستاگرام نرگس محمدی از بند عمومی زنان زندان اوین

در بند عمومی زنان زندان اوین ۶۱ زندانی زن حضور دارند که نام ۵۸ نفر از آنها در این گزارش آمده است. نگاهی اجمالی به محکومیتها، تحمل سلول بندهای امنیت و سلول انفرادی، بازجویی و پرونده سازی ها و همچنین وضعیت نگهداری زندانیان از جمله دسترسی و امکان معالجه و درمان آنها، بیانگر شدت سرکوب زنان زندانی توسط حکومت است.

حبس در سلول بندهای امنیت و سلول انفرادی

حبس در سلول انفرادی بندهای امنیت از جمله موارد نقض فاحش حقوق بشر و اعمال شکنجه سفید است که متأسفانه ۵۷ نفر از ۵۸ زندانی زن، تجربه این شکنجه هولناک ضد انسانی را دارند. اغلب آنها از عوارض و بیماریهای ناشی از حبس در سلولهای انفرادی رنج میکشند، به ویژه افرادی که مدت زمانهای طولانی در سلولهای انفرادی حبس کشیده اند. مجموع مدت زمان حبس در سلول بندهای امنیت اطلاعات و سپاه پاسداران در دوره ها و بازداشتهای متعدد ۵۷ زندانی زن (برای برخی طی چند نوبت و در بازداشتهای متعددها بوده که جمع زده شده است)، بیش از ۸۳۵۰ روز است. برخی از زندانیان مدت زمانی طولانی در سلولهای انفرادی و بدون حضور هیچ فرد دیگری و تحت شرایطی غیرقابل باور محبوس بوده اند. در ادامه به مواردی از آنها اشاره میشود:

- مریم حاج‌حسینی کل ۴۱۲ روز را در خانه امن و به شکل کاملاً انفرادی و تنها محبوس بوده است.
- فریبا عادلخواه، ۴ ماه از ۹ ماه حبس در سلول های بند امنیت ۲- الف سپاه را در سلول انفرادی و تنها بوده است.
- مهوش شهریاری و فریبا کمال‌آبادی، ۸ ماه از ۳۶ ماه حبس در سلولهای بند امنیت ۲۰۹ وزارت اطلاعات را در سلولهای انفرادی و شرایط سختی بدهاند.
- نیلوفر بیانی ۹ ماه از ۲۴ ماه حبس در سلولهای بند امنیت ۲- الف سپاه را در سلول انفرادی و تنها گذرانده.
- سپیده کاشانی ۸ ماه از ۲۴ ماه حبس در سلولهای بند امنیت ۲الف سپاه را در سلول انفرادی و تنها گذرانده.
- ناهید تقوی ۶۸ ساله، ۲۰۰ روز از ۲۲۰ روز حبس در سلولهای بند امنیت ۲الف را در سلول انفرادی بوده است.
- زهرا زهتابچی تمام ۱۴ ماه حبس در سلولهای بند امنیت ۲۰۹ را در سلول انفرادی و در تنهایی سپری کرده است.
- زهرا صفایی ۸ ماه از ۹ ماه حبس در سلول بندهای متعدد امنیت را در انفرادی و شرایط دشوار بوده است.
- مریم محمدی تمام ۲۳ ماه حبس در سلول بندهای امنیت را، در دوره‌های مختلف، در انفرادی و در شرایط غیرانسانی و طاقت‌فرسای گذرانده است.

این ۱۰ زن (مریم حاج‌حسینی، فریبا عادلخواه، ناهید تقوی، فریبا کمال‌آبادی، مهوش شهریاری، نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، زهرا زهتابچی، زهرا صفایی و مریم محمدی) تاکنون در پرونده‌های متعددشان

متحمل ۱۹۶ ماه حبس در سلول بندهای امنیت سپاه و وزارت اطلاعات شده‌اند که ۱۰۲ ماه آن را در سلول انفرادی و به صورت تک نفره و در شرایط غیرانسانی بوده‌اند.

زنان و محکومیت‌ها

دو نفر از ۵۸ نفر زن زندانی، بازداشتی بوده و هنوز حکمی نگرفته‌اند. لذا ۵۶ زن زندانی اوین فقط و صرفاً در پرونده اخیرشان (بدون احتساب زندانهای گذرانده در سالهای گذشته، به موجب پرونده‌های پیشینشان) به تحمل بیش از ۳۳۰۰ ماه زندان، معادل ۱۰۰.۰۰۰ روز زندان محکوم شده‌اند.

محکومیت‌های سنگین و طولانی زندان

برخی از زندانیان در پرونده های اخیرشان به حبس‌های طولانی حدود ۱۰ سال محکوم شده‌اند. از جمله مهوش شهریاری، فریبا کمال آبادی، مریم حاج حسینی، نیلوفر بیانی، ناهید تقوی، زهرا زهتابچی و نرگس محمدی. همچنین فاطمه مثنی به ۱۵ سال زندان محکوم شده است.

ردیف سنی ۶۰ سال به بالا

در میان ۵۸ زن زندانی، ۱۰ زن در ردیف سنی ۶۰ سال به بالا قرار دارند که به احکام سنگین زندان محکوم شده‌اند. ۳ نفر از آنها به تحمل ۱۰ سال و ۷ نفرشان به تحمل ۵ سال زندان محکوم شده‌اند.

مادران زندانی

۳۳ نفر از ۵۸ زن زندانی مادر هستند که برخی از آنها از جمله ثمین احسانی، زهره داوری، زهره زیوری، فریبا اسدی و نرگس منصوری کودکان کم سن و سال دارند.

زندانیان بیمار

در میان ۵۸ زن زندانی برخی مبتلا به بیماریهای جدی و خطرناکی هستند که تحمل حبس را برایشان دشوار کرده و تحمل حبس، شرایط بیماریشان را روز به روز حادتر میکند. برای نمونه فرنگیس

مظلوم علیرغم نامه های متعدد پزشکان به جهت بیماری قلب که تحت عمل جراحی قرار گرفته و لزوم تعویض مفاصل لگن که حرکت را برایشان بسیار دشوار کرده و همچنین بیماری کبد، ماههاست که در زندان تحمل حبس میکند. ۸ نفر از زندانیان مبتلا به بیماریهای قلبی هستند.

زهرا صفایی طی ۳ سال گذشته ۴ بار آنژیوگرافی شده و در رگهای قلب استنت دارد و مبتلا به بیماری فشار خون شده است. ۴ نفر از زندانیان مبتلا به آسم شدید و بیماری ریه هستند. یکی از ایشان مبتلا به بیماری فیبروز بوده و ۷۰ ساله است و به دلیل تحمل ۵ ماه حبس در سلولهای بند امنیت ۲۰۹، به شدت ضعیف شده است.

یکی دیگر علاوه بر آسم، به دلیل برنشیت تحت درمان آنتی بیوتیک های تزریقی است. ۷ نفر از زندانیان به عمل جراحی فوری نیاز دارند. برای نمونه مریم محمدی علی رغم در دست داشتن برگه پزشکی قانونی برای انجام عمل جراحی ضروری، به زندان آورده شده و مرخصی هم نمیدهند. همچنین پزشکان زندان اعلام کرده اند که نرگس منصوری نیاز به عمل جراحی دارد اما به او نیز مرخصی داده نمیشود. برخی از زنان به دلیل عدم بهره مندی از مرخصی از انجام عمل جراحی و معالجه محروم شده اند. چرا که نگهداری زندانیان در بیمارستانها تحت شرایط سخت امنیتی و با بد رفتاری برخی از پاسیاران همراه است که گاهی حتی پروسه درمان را ناقص میگذارد. پزشکان معالج ۷ زندانی زن نیازمند به انجام عمل جراحی، اصرار دارند که زندانیان به دلیل حاد بودن شرایطشان هر چه زودتر تحت عمل جراحی قرار گیرند، اما نهادهای امنیتی و دادستان تهران حاضر به دادن مرخصی حتی استعلاجی نیستند.

در ادامه مشخصات ۵۸ نفر از زنان بند عمومی اوین به تفکیک سن، تحمل سلول در بند امنیت، میزان محکومیت، میزان محکومیت گذارنده و شرایط جسمی آورده شده است. ذکر این نکته ضروری است که دهها زندانی سیاسی در سراسر کشور بدون طبقه بندی جرایم در بندهای عادی به سر میبرند که مشکلات بیشتری دارند و نباید فراموش شوند.

.....

جدول مشخصات ۵۸ نفر از زنان بند عمومی زندان اوین

شماره	نام	سن	تحمل سلول در بند امنیت	میزان محکومیت	میزان محکومیت گذارنده	بیماری
۱	اسرین درکاله	۴۰	۱۴ روز	۲ سال و نیم	۶ ماه	نیاز به درمان دارد.
۲	افسانه امامی	۵۳	۳۳ روز	۱ سال	۵ ماه	-
۳	اکرم نصیریان	۶۰	۲۰ روز	۲ سال و نیم	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۴	بهاره سلیمانی	۴۵	۳ ماه	۶ سال	۱۶ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵	بهاره هدایت	۴۲	۷ ماه	۴ سال	۲ ماه	-
۶	پرستو معینی	۲۲	۲ ماه	۵ سال	۲ سال و ۱۰ ماه	-
۷	ثمین احسانی	۳۷	۲۵ روز	۵ سال	۶ ماه	-
۸	روشنک مولایی	۲۴	۲ ماه	۵ سال	۳ ماه	-
۹	رها عسگری	۴۰	۵۵ روز	۲ سال	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۰	زهرا زهناچی	۵۳	۱۴ ماه	۱۰ سال	۹ سال	-
۱۱	زهرا صفایی	۵۹	۹ ماه	۶ سال و ۳ ماه	۲ سال و ۱۰ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۲	زهرا داوری	۳۸	۷ روز	۲ سال و نیم	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۳	زهرا زبوری	۳۴	۱۳ روز	۳ سال	۸ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۴	زهرا سرو	۳۶	۷۶ روز	۶ سال	۳ سال و ۴ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۵	ژیلا شهریاری	۵۹	۳۲ روز	۲ سال و ۵ ماه	۴ ماه و نیم	نیاز به درمان دارد.
۱۶	ژیلا مکوندی	۶۲	۲۰ روز	۵ سال	۱ سال و ۱ ماه	-
۱۷	سارا احمدی	۳۶	۶۷ روز	۸ سال	۵ ماه	-
۱۸	سپیده قلیان	۲۹	۸۰ روز	۵ سال و ۸ ماه	۴ سال و ۱ ماه	نیاز به درمان دارد.
۱۹	سپیده کاشانی	۵۰	۲ سال	۶ سال	۵ سال	نیاز به درمان دارد.
۲۰	شکیلا منفرد	۳۹	۷۲ روز	۶ سال	۲ سال	نیاز به درمان دارد.
۲۱	شهره حسینی	۳۴	۳۳ روز	۲ سال و ۷ ماه	۱۳ ماه	نیاز به درمان دارد.
۲۲	صبا کردافشاری	۲۳	۲۶ روز	۵ سال	۳ سال و ۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۲۳	عالیه مطلبزاده	۵۶	۲ ماه	۳ سال	۲ سال و ۳ ماه	-
۲۴	عسل محمدی	۳۷	۴۷ روز	۱ سال	۷ ماه	-
۲۵	فاطمه مثنی	۵۳	۶ ماه و نیم	۱۵ سال	۷ سال	نیاز به درمان دارد.
۲۶	فائزه هاشمی	۶۰	۳۸ روز	۵ سال	۴ ماه	-
۲۷	فرح نساجی	۶۰	۴۸ روز	۵ سال	۴ ماه	نیاز به درمان دارد.
۲۸	فرنکیس مظلوم	۵۸	۲۰ روز	۹ ماه	۷ ماه	نیاز به درمان دارد.
۲۹	فروغ تقی پور	۲۸	۲ ماه	۶ سال و ۳ ماه	۲ سال و ۱۰ ماه	نیاز به درمان دارد.
۳۰	فریبا اسدی	۳۲	۱۸ روز	۱۵ ماه	۱۵ ماه	نیاز به درمان دارد.



۳۱	فربها عادل خواه	۶۳	۹ ماه	۵ سال	۳ سال و ۷ ماه	-
۳۲	فربها کمال آبادی	۶۰	۳ سال	۱۰ سال	۵ ماه	-
۳۳	گلاره عباسی	۴۷	۲۰ روز	۲ سال و نیم	۱ سال	نیاز به درمان دارد.
۳۴	گلرخ ابرایی	۴۲	۷۹ روز	بازداشتی		
۳۵	لیلا قلی زاده	۵۰	۲۱ روز	۴ سال	۱ سال و ۴ ماه	نیاز به درمان دارد.
۳۶	مرضیه فارسی	۵۵	۴۵ روز	۵ سال	۲ سال و ۱۰ ماه	نیاز به درمان دارد.
۳۷	مروارید فرتومی	۴۱	۱۴ روز	بازداشتی	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۳۸	مریم حاج حسینی	۵۰	۴۱۲ روز انفرادی	۱۰ سال حبس یا انتقال دانش فنی	۳ سال و نیم	-
۳۹	مریم محمدی	۵۶	۲۳ ماه	۲ سال و نیم	۶ ماه و نیم	نیاز به درمان دارد.
۴۰	مژگان اینانلو	۵۲	۴۱ روز	۶ سال	۳ ماه	-
۴۱	ملیحه نظری	۵۰	۲۰ روز	۶ سال	۴ ماه	-
۴۲	مهناز طراح	۴۸	۱۰ روز	۴ سال و ۴ ماه	۱ سال	نیاز به درمان دارد.
۴۳	مهوش شهریاری	۷۰	۳ سال	۱۰ سال	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۴۴	التاز اسلامی	۲۸	۲۱ روز	۴ سال و ۴ ماه	۱ سال	-
۴۵	نازنین محمدنژاد	۳۵	۵۶ روز	۲ سال	۱ سال	-
۴۶	ناهید تقوی	۶۸	۲۲۰ روز	۱۰ سال	۱ سال و ۱۰ ماه	نیاز به درمان دارد.
۴۷	ناهید فتحلیان	۶۲	۵۱ روز	۵ سال	۲ سال و ۴ ماه	نیاز به درمان دارد.
۴۸	نرگس ادیب	-	۱۵ روز	۳ سال و نیم	۲ سال و ۷ ماه	نیاز به درمان دارد.
۴۹	نرگس ظریفیان	۴۷	۴۰ روز	۱ سال	۷ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۰	نرگس محمدی	۵۰	۵ ماه	۹ سال و ۸ ماه	۱ سال و ۱ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۱	نرگس منصوری	۴۶	۷۲ روز	۷ سال و ۷ ماه	۸ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۲	نسرین جوای خزری	۶۵	۵۰ روز	۵ سال	۷ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۳	نگار زارعی	۳۱	۲۱ روز	۴ سال و ۴ ماه	۷ ماه	-
۵۴	نوشین جعفری	۳۵	۱۰۲ روز	۴ سال	۲ سال و ۲ ماه	-
۵۵	نیلوفر بیانی	۳۵	۲ سال	۱۰ سال	۵ سال	نیاز به درمان دارد.
۵۶	ویدا ربانی	۳۴	۷۰ روز	۶ سال	۴ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۷	هاله غلامی	۵۵	۳۷ روز	۲ سال	۵ ماه	نیاز به درمان دارد.
۵۸	هستی امیری	۲۷	-	۱ سال	۵ ماه	-